



بخش چهارم



آیت الله مشکینی

حرص

شروع گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال چهارم علوم انسانی (۲)

در بحث گذشته اولین اثر از آثار حرص بیان شد و گفتیم که حرص، ایمان انسان را بتدریج میخورد و نابود میکند. اینک به دیگر آثار بد حرص می پردازیم:

ذلت انسان

۲- اثر دوم حرص و طمع این است که این صفت در انسان ایجاد ذلت میکند. زیرا انسان وقتی برای خاطر مال و جاه و دیگر لذات دنیوی حرصی باشد، قهرا در برابر انسانهای مادی به سوال برمیخیزد و خودش را کوچک و پست می کند. و این نتایج قطعی صفت طمع است که انسان را میشکند و انسانیت انسان را ساقط

میکند و او را ذلیل مینماید. لذا امام باقر (ع) می فرماید:
"بئس العبد عبد یكون له طمع یقوده"،
"بئس العبد عبد له رغبة تذله". (۱)

— چه بد بندگای است آن بندگای که طعمی داشته باشد که این طمع افساری برگردن او انداخته و او را می کشد و حرصی داشته باشد که او را به ذلت بکشانند. زیرا انسان حرصی در مقابل هر فردی کرنش و خضوع میکند، گاهی تملق میگوید و گاهی دست می بوسد تا اینکه به آن مقصد مالی و جاهی و امور دنیوی که دارد برسد. پس نتیجه طمع، ذلت و خواری است و مؤمن، عزیز است. مؤمن نباید به خاطر مال و جاه تن به ذلت و اسارت بدهد. مؤمن باید به آنچه خدا به او داده است قانع باشد.

حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - می فرماید :

"من لم یزله نفسه عن دنائة المطامع فقد اذل نفسه"

"و هو فی الآخره اذل و اخزی" (۲)

- هرکس نفس خود را از پستی طمعها دور نکند ، خود را ذلیل و پست نموده است ، و او در آخرت پست تر و زیون تر است .

امام باقر (ع) به جابر جعفی (۳) می فرماید :

"واطلب بقا العز بامانة الطمع ، وادفع ذل الطمع بعز"

"الیاس ، و استجلب عز الیاس ببعد الهیمة" (۴)

- اگر بخواهی در دنیا عزیز باشی و عزتت باقی بماند ، صفت طمع را درخودت بمیران ، و دوام عزت را با اینکه صفت حیوانی طمع را درخودت نابود سازی جویا شو . معنای نابود کردن این صفت ، این است که آنقدر انسان در مرحله ایمان و تقوی و خرد ، قدرت پیدا کند که این صفت را بکلی محاصره کند و بی اثر نماید . انسان کامل میتواند این صفت را آنقدر تحت کنترل قرار دهد که هیچ اثری از این صفت در او پیدا نشود . و این یکی از مراحل کمال انسان است .

حضرت ، در ادامه سخن خود می فرماید : می توانی از ذلت طمع (هنگامی که طمع را زیر چتر ایمان درآوردی) به عزت یاس و نومیدی برسی ، یعنی انسان از طمع به مال و مادیات و اسباب دنیوی و آنچه از طرف مردم بوسیله درخواست و سؤال به او میرسد ، بکلی یاس پیدا کند و بهیچ وجه طمع در مال مردم نداشته باشد بلکه هرچه میخواهد تنها از خدا بخواهد .

ممکن است کسی بپرسد : من چه کار کنم که این عزت یاس را پیدا کنم و از مردم بکلی قطع طمع کنم و تنها با خدا باشم ؟
حضرت می فرماید : اگر میخواهید عزت را بدست بیاورید ، باید همت و تصمیم عالی داشته باشید . انسان یکی از موجوداتی است که قدرت تصمیم گیری دارد و میتواند با این قدرت به تمام مقامات عالیه برسد .

زوال یقین :

۳- اثر سوم طمع این است که یقین انسان را زائل می کند یعنی انسانی که حریص و طمعکار است ، به خدا اطمینان ندارد بلکه اطمینان و تکیه گاهش تنها مردم و مال دنیا میشود . لذا در روایت است که امام صادق - صلوات الله علیه - فرمود :

"حرم الحریص خصلتین و لزمته خصلتان : حرم القناعة"

"فافتقد الراحة ... " (۵)

- انسان حریص از دو صفت محروم و دو صفت دیگر بر او عارض میشود : یکی از دو صفتی که از آنها محروم میشود ، قناعت است . حریص کسی است که قانع نیست به آنچه خدا به او داده است بلکه آن را کم می شمارد و لذا همواره دنبال چیزهای دیگر می گردد . و قهرا اگر قناعت نداشت ، آسایش و راحتی خود را از دست میدهد . برای اینکه حریص همیشه در فکر رسیدن به جاه و مال است و به هر چه برسد باز در فکر اضافه کردن و افزودن آن است . بنا براین ، چنین شخصی هیچ استراحت ندارد و همواره روانش ناآرام است . در ادامه حدیث می فرماید : 'و حرم الرضا فافتقد الیقین'
- انسان حریص رضا را از دست میدهد . رضا این است که انسان به هر چه خدا به او داده است راضی و خشنود باشد . و حریص این رضا را از دست میدهد و آنچه خدا از راه حلال به او داده است کم می شمارد ، و قهرا یقین به وعده های خدا را هم از دست میدهد . یعنی چون رضایت از او سلب میشود ، حالت یقین را نمی یابد . بنابراین یکی از آثار سوء صفت حرص ، زوال یقین است .

در روایت دیگری هست که انسان حریص ، سوءظن به خدا دارد زیرا آنچه را که خدا به او داده است کم می شمارد ، لذا بنظرش می آید که خدا میان بندگانش امتیازی قائل است و در نتیجه به پروردگار مهربان ، سوءظن پیدا میکند و یقین او زائل میشود ، در صورتی که - در روایت است - خداوند برای هرکس به اندازه مصالح فکری و بدنی و اجتماعی او ، روزی و مال و جاه میدهد و اگر به کسی چیزی نداده ، صلاح او در همین است . و چه بسا افرادی که مال با جاه زیاد ، برای آنان و زر و وبال شده و آنها راه جهنم روانه می سازد .

در روایت است که دنیا به منزله سایه تو است . اگر کسی سایه خودش را تعقیب کند هرچه میخواهد سایه خودش را بگیرد ، دستش به او نمیرسد زیرا سایه قبل از خودش میرود . ولی اگر از سایه خود اعراض کند و به جای دیگر برود ، هرجا رفت سایه اش دنبالش می آید .

حضرت می فرماید : دنبال دنیا نروید زیرا هرچه دنبال دنیا بروید کمتر استراحت پیدا می کنید و در نتیجه هم معلوم نیست آنچه خواسته بودید بدست بیاورید . بگذارید دنیا دنبال شما بیاید . یعنی اگر هدف الهی دارید ، آن هدف را دنبال کنید ، خداوند دنیا را به شما خواهد داد .

چگونه حرص از انسان زائل میشود؟

علاج حرص با تفکر و اندیشیدن است. یعنی انسان باید عاقل شود و درست بیاندیشد و با اندیشه درست است که انسان درک میکند: اگر آنچه خدا به من داده است، آنها را کم شمرم و کفران نعمت نمودم و دنبال مال مردم افتادم، معلوم نیست به نتیجه برسم. وانگهی در این راه باید چندین بار مخالفت الله کنم و دست به گناه بزنم تا اینکه به آرزوی دنیائی خود برسم. و این مال و مقامی که پس از چندین بار مخالفت خدا و ارتکاب گناه به انسان برسد، چقدر می تواند از آن استفاده کند؟ و بفرضا استفاده کردن، انسان حتما باید از این جهان برود و هیچ مقام و جاهی، ابدی و جاودان نیست. خلاصه انسان اگر حساب کند، می فهمد که از دنیا خواهد رفت و در عالم دیگر جواب آن گناهایی که برای رسیدن به هواها و امیال نفسانی مرتکب شده است را چگونه خواهد داد؟

بیشترین عبادت ابودر - رضوان الله علیه - تفکر و عبرت گیری بود. تفکر یعنی انسان در باره خودش و آثار و عواقب کار - هائی که انجام میدهد فکر کند و نتایج دنیوی و اخروی را بسنجد و مسئولیتهای کارها را بسنجد و ببیند که آیا میتواند جوابگوی این مسئولیتها باشد یا نه؟ اگر این فکرها را انسان بکند و همت نیز داشته باشد، بتدریج می تواند این صفت را در خودش به هموار بکند و می تواند کاری کند که این صفت دیگر اثری در او نگذارد. از خدای توانا میخواهیم که ما را توفیق توجه و آگاهی به مرضیهای روحی خودمان عنایت فرماید و همچنین حسن و قبح صفات باطن خودمان و حسن و قبح عملهای خارجیمان را بر ما آشکار سازد تا درک کنیم که چه صفات فاضله و چه صفات ردیلهای داریم. و خداوند توان زدودن صفات بد را به ما بدهد تا به آن مرحله کمال انسانی که هدف اصلی خلقت است برسیم و پس از دنیا در عالم آخرت در ردیف بندگان شایسته خدا که آنها زیر پرچم انبیا قرار می گیرند، قرار بگیریم. انشاء الله.

لذتهای دنیا هر چقدر باشد تمام شدنی است ولی گناه

حاصل از آن تمام شدنی نیست زیرا انسان وقتی از این دنیا برود،

دنیای پرود، مسئول آن گناهان است.

لذتهای دنیا هر چقدر باشد تمام شدنی است ولی گناه حاصل از آن، تمام شدنی نیست زیرا انسان وقتی از این دنیا برود، مسئول آن گناهان است. لذا در بعضی از دعاها، امام زین - العابدین - علیه السلام - عرض می کند: "پروردگارا پناه می برم بر تو از گناهایی که لذتهایش از بین رفت، اما عواقب و مسئولیتها و جوابش باقی است، اگر در دنیا هم نتوانم جبران کنم، سرانجام پس از مرگ به سراغم خواهد آمد." (۶)

از این رو باید گفت بهترین راه علاج این مرض، تفکر و اندیشیدن است و تفکر است که خیلی اثر دارد. در روایت است که: "گان اکثر عبادة ابي ذر - رحمه الله - التفکرو لا اعتبار" (۷)

۱ - وسائل الشیعه، جلد ۱۱، صفحه ۳۲۱.

۲ و ۳ - مستدرک الوسائل، کتاب الجهاد، باب ۶۷.

۴ - جابرجمعی از خواص اصحاب امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - است و انسان برجستهای است که در نتیجه ایمان و تقوی به مراحل والا می رسد. جابر نسبت به امام صادق - علیه السلام - همانند سلمان فارسی است نسبت به رسول اکرم (ص)

۵ - وسائل، جلد ۱۱، صفحه ۳۱۸.

۶ - از دعای ۳۱ صحیفه سجادیه: "... واستغاثت بک من عظیم ما وقع به فی علمک و قبیح ما فضح فی حکمک من ذنوب ادبرت لذاتها فذهب واقامت تبعاتها فلزمت"

۷ - وسائل، ج ۱۱، صفحه ۱۵۴.